

سیر تحول تفاسیر در دوره معاصر^۱

محمدعلی ایازی^۲

چکیده

این بحث ناظر به سیر و تبیین تحولاتی است که در دوره معاصر، در حوزه تفسیر رخ داده و با شکل‌های مختلف آن مواجه هستیم؛ هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی. اهمیت این تبیین، به این خاطر است که کمتر از اتفاقات شکل‌گرفته دوره معاصر سخن گفته شده و قابل مقایسه با هیچ دوره‌ای از دوره‌های گذشته سیزده قرن تدوین تفسیر در دانش مسلمین نیست. اگر بخواهیم به لحاظ کمی، تعداد تفاسیری را که در دوره معاصر تدوین شده، ملاک و معیار قرار بدهیم، تعداد تفاسیری که در دوره معاصر نوشته شده، چندین برابر تمام آن تفاسیری است که در سیزده قرن، از سوی مسلمانان تدوین شده است و بیشتر این تحول به صورت کمی است.

از لحاظ کیفی هم، این تنوع، هم به لحاظ محتوا اتفاق افتاده و هم تنوع موضوع و هم به لحاظ مخاطب و هم به لحاظ زبان تفسیر. این تحول در تفسیر ترتیبی قرآن، افزون بر نگارش انبوهی از تفاسیر موضوعی است که به صورت دوره‌ای و تک‌نگاری نگارش یافته و در گذشته سابقه نداشته است. البته این تحول و توسعه، متوقف نشده و هم‌چنان ادامه دارد. بنابراین، می‌توان این تحولات را در چند گام اساسی بیان کرد: ۱. شکل‌گیری جریان‌های جدید تفسیری از جمله تفاسیر تبیینی، واکنشی، تاریخی، حرکتی، چالشی، موضوعی و...؛ ۲. منقح‌کردن مبانی تفسیر و تبیین و تطبیق قواعد تفسیری؛ ۳. شکل‌گیری دانش تفسیر پژوهی؛ ۴. توسعه و تعمیق دانش روش‌شناسی‌های تفسیری؛ ۵. شکل‌گیری کار گروهی در تفسیر؛ ۶. نگارش تفاسیری از سوی زنان و یا تعمیم‌گرایش فراجنسیتی. در مجموع، شش تحول اساسی اتفاق افتاده است که با این توصیف و اتفاقاتی که رخ داده، هم برای نظام‌مندی و هم برای منقح‌کردن مبانی و سامان‌مندی آن در سایه این اطلاع‌رسانی، باید برای این شش تحول، به بررسی و راهکارهای آن اندیشید. مقاله پیش رو به این مهم می‌پردازد.

کلیدواژگان: تحول، تفاسیر، روش‌شناسی، مبانی و قواعد تفسیری، جریان‌های تفسیری.

^۱ برگرفته از ارائه استاد در روز کنفرانس.

^۲ استاد حوزه علمیه قم و استادیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد علوم و تحقیقات تهران.